

طرح تجزیه ایران به 5 کشور از سوی جمهوری آذربایجان / باز هم باید اغماض کرد؟

برخی بر این باورند که بر جسارتی که اخیراً در جلسه به اصطلاح "مجلس ملی" جمهوری آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران شد و تهدید تجزیه ایران به پنج کشور مطرح شد و اکتای اسدوف، رئیس مجلس این کشور نیز آن را تأیید و تأکید کرد، باید باز هم اغماض کرد تا به روند بهبود مناسبات تهران - باکو لطمه ای وارد نشود. اما، واقعیت این است که از قضا، اغماض بر این موارد است که به مناسبات دو کشور برادر، ایران و جمهوری آذربایجان لطمه وارد می‌کند و نه واکنش نشان دادن به آن. زیرا، هر اندازه نیروها و عناصر وابسته به صهیونیسم و معاند ایران در جمهوری آذربایجان، خود را مصون از هرگونه اعتراض و واکنش می‌بینند، بر دامنه تبلیغات و حرکت های ضدایرانی خود می‌افزایند.

تجربه دو سال اخیر در مناسبات ایران با جمهوری آذربایجان به خوبی این واقعیت را به اثبات رسانده است و اوج گیری جسارت علیه ایران در صحن علنی مجلس ملی جمهوری آذربایجان نیز تأیید دیگری بر این واقعیت ناخوشایند است. طی دو سال اخیر، جمهوری اسلامی ایران تقریباً بر تمامی حرکت های ضدایرانی و ضدشیعی در جمهوری آذربایجان چشم فرو بسته و حتی انتقاد و اعتراض لفظی نیز نکرده است.

زمانی که نارداران و مردم شیعه و ایران دوست آنجا مورد حمله نظامی قرار گرفتند، نه تنها بطور رسمی بر آن اغماض شد، بلکه در بیانیه رسمی مسئولان وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو، موضعی انفعالی در قبال این موضوع فوق العاده و مهم اتخاذ شد که دست حاکمیت جمهوری آذربایجان را در این سرکوب بازتر و خیالش را آسوده تر کرد.

در این برهه، دامنه سرکوب فعالان و روحانیون شیعه در جمهوری آذربایجان و وضع و اعمال قوانین ضد فعالیت های دینی بسیار گسترده تر شد و حتی شامل برگزاری تجمعات عزاداری روز عاشورا نیز شد و آیین های باشکوه عزاداری در نارداران و لنکران و گنجه و سایر نقاط جمهوری آذربایجان برای نخستین بار به علت فضای خفقان و سرکوب برگزار نشد و تمامی این ها نیز تحت پوشش برگزاری «سال چندفرهنگ گرای» در جمهوری آذربایجان تحقق یافت و حتی برخی مسئولان ایرانی از سیاست چندفرهنگ گرای باکو تقدیر نیز کردند.

در اواخر برگزاری «سال چندفرهنگ گرای» در جمهوری آذربایجان که باید آن را سال اوج گیری سرکوب فرهنگ شیعی در این کشور نامید، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در اوج انزوای بین المللی این رژیم، به باکو سفر کرد و الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان و همسرش مهربان علی او، بطور بی نظیر و بی سابقه ای از نتانیاهو و همسرش در باکو استقبال کردند و نتانیاهو، از سیاست «چندفرهنگ گرای» باکو قدردانی و تشکر کرد.

جالب است که سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در موضع گیری درباره سفر نتانیاهو نیز اغماض آمیز سخن گفت و این سفر را نیز موضوعی مربوط به خود جمهوری آذربایجان دانست! اما، همین موضوع مربوط به جمهوری آذربایجان، در زمانی کوتاه، تبعات منفی خود را نشان داد و در کمتر از بیست روز پس از سفر نتانیاهو، شاهد تکرار تهدیدات نتانیاهو علیه ایران، این بار از زبان نماینده مجلس جمهوری آذربایجان و تأیید آن از زبان اکتای اسدوف، رئیس مجلس این جمهوری بودیم. اینکه پس از سفر زینبار بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو، شاهد این سخنان قدرت حسنقلی اف، نماینده مجلس به اصطلاح ملی و رئیس حزب به اصطلاح «جبهه خلق آذربایجان یکپارچه» جمهوری آذربایجان علیه ایران و تکمیل آن با سخنان اکتای اسدوف، رئیس مجلس این کشور هستیم، چندان تعجب آور نیست.

در واقع، این سخنان در مقطع کنونی، انعکاس القائات و تلقین های نتانیاهو به اذهان مقامات باکو در سفر 23 آذر گذشته (13 دسامبر 2016) است. برغم اینکه تلاش بر این بود که در این سفر، نتانیاهو آشکارا علیه ایران سخنی نگوید، اما تأکید نتانیاهو بر اینکه اسرائیل پشتیبان و حامی نظامی و استراتژیک دولت جمهوری آذربایجان، نوعی "اعتماد به نفس" کاذب در مقامات باکو ایجاد کرده و آنها نیز برای نشان دادن پایبندی خود به اتحاد با رژیم صهیونیستی، این سخنان ضدایرانی و به ظاهر تهدیدآمیز را در نشست رسمی و علنی مجلس ملی جمهوری آذربایجان بیان کردند. باید توجه داشت که نتانیاهو پس از سفر به باکو، به شهر آستانه، پایتخت قزاقستان رفت و در آنجا جملات مشابهی نظیر همین جملاتی که در مجلس جمهوری آذربایجان علیه ایران بیان شد، بر زبان راند.

نتانیاهو گفته بود که اسرائیل خرگوش نیست که ایران آن را تهدید کند، بلکه پلنگ است که تهدید آن، برای خود ایران نیز تهدید خواهد بود!! انعکاس مضحک این سخنان نتانیاهو در سخنان قدرت حسنقلی اف، نماینده مجلس جمهوری آذربایجان و اکتای اسدوف، رئیس این مجلس ظاهر شد که تهدید کردند اگر ایران به جمهوری آذربایجان حمله کند، خود به پنج کشور تقسیم خواهد شد!! حال آنکه ایران هیچ گونه تهدیدی برای جمهوری آذربایجان نیست و اساساً هیچ کس، جز اذهان مریض مقامات رژیم صهیونیستی نمی تواند از احتمال حمله نظامی ایران به جمهوری آذربایجان سخن بگوید. زیرا، ایران خود همواره از جمهوری آذربایجان در مقابل تهدیدها و حملات نظامی دفاع کرده است که در مقطع اوج جنگ قره باغ نیز شاهد این بوده ایم.

البته، بجز اسارت فکری مقامات جمهوری آذربایجان در مقابل تبلیغات رسانه ای و القائات سیاسی و دیپلماتیک مقامات رژیم

صهیونیستی، وابستگی ساختاری دولت جمهوری آذربایجان به اسرائیل نیز طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است و موجب می‌شود که دنباله سیاست‌های ضدایرانی و ضداسلامی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان ظاهر شود که هجمه‌هایی که به فعالان شیعه در جمهوری آذربایجان در روزهای پس از سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به باکو شاهد بودیم نیز از جمله این تأثیرات است.

اگر تحولات مناسبات جمهوری آذربایجان با ایران براساس یک منطق عقلی جریان داشت، در یک سال گذشته، نباید دامنه ایران هراسی در این جمهوری و تحرکات عناصر ضدایرانی نظیر قدرت حسنقلی اف، فاضل مصطفی و سایر نمایندگان و سخنگویان باکو که در شبکه‌های تلویزیونی جمهوری آذربایجان، سفر رییس جمهوری اسلامی ایران به ارمنستان را بهانه کرده، آن را «جهالت سیاسی و حرام دینی» نامیدند و انواع و اقسام فحاشی‌ها و هتاک‌ها علیه ایران را به زبان آوردند، افزایش می‌یافت.

زیرا، بخصوص در یک سال گذشته، ایران امتیازات کلانی را به جمهوری آذربایجان به منظور فراهم‌تر کردن زمینه گسترش روابط اعطاء کرده است که مقامات جمهوری آذربایجان نیز تا حدی آن را به زبان آورده‌اند. تلاش ایران برای پیشبرد سریع اتصال خط آهن خود به جمهوری آذربایجان در شرایطی که این کشور به خاطر کاهش قیمت نفت و درآمدهای بودجه‌اش، با اوضاع دشواری روبروست و سعی در جبران کاهش درآمدهایش دارد، در واقع، کمکی استراتژیک به جمهوری آذربایجان است و همین طرح استراتژیک نیز موجب شده بود که در ظاهر این برداشت ایجاد شود که اعتماد کامل میان باکو و تهران بخاطر تقویت پیوندهای استراتژیک در حال برقرار شدن است.

همچنین، تهران سد و نیروگاه برق آبی را که با سرمایه‌گذاری ایران بر روی رود ارس در خدآفرین ساخته است، در جریان سفر الهام علی‌اف، رییس جمهوری آذربایجان به تهران، با جمهوری آذربایجان سهم شد و در واقع امتیاز سیاسی و اقتصادی بزرگی را بدون هیچ‌گونه معوضی در اختیار باکو گذاشت که بارها شاهین مصطفی اف، وزیر اقتصاد و سایر مقامات جمهوری آذربایجان نیز آن را بیان کرده‌اند. در چنین شرایطی، به لحاظ منطقی تشدید «ایران هراسی» باکو، پدیده‌ای عجیب و فاقد منطق عقلانی است. اما، در واقعیت، ایران هراسی باکو در همین یک سال نیز تشدید شده است و این نیز جز تأثیرپذیری از مراکز صهیونیستی، علت دیگری نمی‌تواند داشته باشد. زیرا، در همین یک سال مراکز رسانه‌ای و مقامات صهیونیستی بطور دائم ایران را خطر معرفی کرده‌اند.

حال آنکه، منطق ظاهری ایجاب می‌کرد به علت امضای «برجام» در موضوع هسته‌ای، صهیونیست‌ها نیز از سیاست ترویج «ایران هراسی» خود دست بردارند. اما، در عمل این انتظار محقق نشد و صهیونیست‌ها بخاطر از دست دادن بهانه هسته‌ای، با تمسک به بهانه‌های دیگر، بر القائات ایران هراسانه خود افزودند که انعکاس آن را نیز در جمهوری آذربایجان که به حیات خلوت رژیم صهیونیستی تبدیل شده است، شاهدیم.

تناقض میان رویکرد اعلانی و اعمالی سیاست جمهوری آذربایجان در قبال ایران، بسیار روشن و آشکار است. مقامات جمهوری آذربایجان در حالی که بر دوستی و همکاری با ایران تأکید می‌کنند، علاوه بر اینکه مناسبات بسیار نزدیک با اسرائیل دارند و در واقع از اسرائیل دنباله‌روی می‌کنند و جمهوری آذربایجان را به بهانه تداوم بحران قره‌باغ، به انبار تسلیحاتی اسرائیل تبدیل کرده‌اند، خود نیز تمامی سیاست‌های ضدایرانی زیربنایی نظیر جعل و وارونه‌نویسی تاریخ به منظور از بین بردن پیوندها و مشترکات فرهنگی مردم دو کشور، تحریکات قومی، خصومت با عقاید شیعی و تلاش برای تغییر فرهنگ و گرایش مذهبی مردم این کشور را ادامه داده‌اند و حتی در یک سال اخیر تحت پوشش برگزاری «سال چندفرهنگ‌گرایی» تشدید کرده‌اند.

علاوه بر این، تعلل و شرط گذاشتن‌های فراوان باکو در مقابل توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و جمهوری آذربایجان و حتی اخلاص غیرمحسوس و تعیین شروط بسیار سنگین برای مشارکت در طرح اتصال خطوط آهن دو کشور، برغم اینکه این طرح برای باکو بسیار ضروری‌تر از تهران است، نشان می‌دهد که سیاست اعمالی باکو کاملاً برخلاف سیاست اعلانی آن است و برغم ظاهرسازی درباره توسعه مناسبات با ایران، همچنان بر محدود نگه داشتن روابط با ایران تلاش می‌کند.

اکنون امید است بجای سیاست اغماض، سیاست واقع‌بینی بر مناسبات تهران با باکو حاکم شود و بیان تهدیدات صهیونیستی علیه ایران از طریق سخنان زشت نمایندگان مجلس باکو، برغم ظاهر ناخوشایندش، موجب شود که برخی دیپلمات‌ها و مسئولانی که با خوش‌بینی و ساده‌انگاری به مناسبات دو کشور و راه‌های حل مشکلات و برطرف ساختن موانع آن نگاه و بر اساس همین ساده‌انگاری رفتار می‌کنند و منابع کشور را به هدر می‌دهند، به خود آیند و بفهمند که نیروهای ضدایرانی وابسته به صهیونیسم در باکو حاکم هستند که مانع گسترش مناسبات رسمی می‌شوند.

البته، به علت پیوند تاریخی و قلبی و مذهبی میان مردم جمهوری آذربایجان و ایران، یاوه‌گویی‌های عناصر ضدایرانی در باکو، در اغلب موارد نتیجه معکوس داده است. البته، ایران نیز باید بتواند با روشنگری رسانه‌ای و واکنش‌های حساب‌شده سیاسی و تبلیغاتی، لجن پراکنی نیروهای ضدایرانی را خنثی کند تا از تأثیر منفی این قبیل سخنان بکاهد. زیرا، به هر حال، ممکن است افرادی در جامعه جمهوری آذربایجان موجود باشند که بر اثر سخنان رییس مجلس این کشور، تصور موهوم احتمال حمله و تهدید ایران علیه جمهوری آذربایجان را باور کنند. باید چنین احتمالی را نیز با واکنش‌های عقلانی و حساب‌شده، از بین برد.

زیرا، سکوت و انفعال، نتیجه مطلوبی نمی‌دهد. کما اینکه سکوت و انفعال سال‌های اخیر در مناسبات با جمهوری آذربایجان، موجب جری‌تر شدن نیروهای ضدایران در این جمهوری شده است. تا زمانی که تحولات زیربنایی در ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان ایجاد نشود و وابستگی فکری و ساختاری به صهیونیسم نیز از بین نرود، امواج ایران‌ستیزی در باکو ریشه‌کن نخواهد شد.

به عنوان مثال می توان گفت که همه ساله دستگاه سیاست خارجی ایران و تمامی سازمان ها و ادارات ذیربط در ایران بطور پیگیر برای بهبود و گسترش روابط با جمهوری آذربایجان تلاش می کنند و هزینه کلانی صرف این کار می شود و در عین حال، به حرکت زیرپوستی باکو در مسیری برخلاف گسترش مناسبات دو کشور ، از جمله حرکت های فکری که با انتشار کتب و مقالات انکار کننده دوستی و اتحاد تاریخی و مذهبی دو کشور در باکو پی گرفته می شود، بی اعتنایی می شود.

دولت جمهوری آذربایجان بطور نمادین در پایان هر سال میلادی، یعنی در روز 31 دسامبر، روزی را طراحی کرده است که به خصومت ورزی علیه ایران دامن می زند. در حالی که 31 دسامبر و روزهای منتهی به آن و روزهای پس از آن در سال 1989، یعنی در اواخر عمر شوروی، مقطعی بود که مردم جمهوری آذربایجان عشق و محبت خود را به ایران ابراز می کردند، حیدرعلی اف و سایر طراحان روز به اصطلاح همبستگی آذری های دنیا (روز 31 دسامبر)، این واقعه مثبت و معنوی و ایران دوستانه را به عنوان واقعه ای قومگرایانه و خصومت ورزانه علیه ایران تعبیر و تحریف می کنند و در پایان هر سال میلادی، تمامی دستاوردهای «گسترش روابط» را به باد می دهند. اگر این رویکرد و سایر عناصر آن در جمهوری آذربایجان اصلاح نشود، همواره شاهد تلاطم هایی در مناسبات سیاسی دو کشور خواهیم بود.

Source URL: <https://www.otaghkhabar24.com/news/81816>